

چرا مدرسه می رویم؟

نمی شود تاریخ ندانیم و از جغرافی سر در نیاوریم. خواندن و نوشتن و حساب کردن هم اگر بلد نباشیم، کلا همان پس معرکه است. تعلیمات اجتماعی هم همان قدر مهم است که زبان انگلیسی یا فیزیک مثلا. دانستن همه این درس ها لازم است، اما آیا کافی هم هست؟ آیا مسئولیت پذیری و همکاری و مهارت های اساسی زندگی را هم می شود از لایه لای همین کتاب ها آموخت؟ نظام های آموزشی موفق در دنیا، چه طور بچه ها را برای ورود به اجتماع و زندگی واقعی آماده می کنند؟

■ کازم از روستا!

چکیده کل سال های تحصیلی ام را می توانم در یک جمله خلاصه کنم: درس خواندن هنر نیست، کار پیدا کردن هنر است. البته یک عده ای آن سر دنیا معتقدند کار پیدا کردن هم هنر نیست، کار آفرینی هنر است. مثلا ژاپن جزو نخستین کشورهایی است که در اواخر دهه ۵۰ میلادی آموزش کار آفرینی و ترویج فرهنگ آن را از سطح دبیرستان آغاز کرد. در اتریش کار آفرینی یک بخش از برنامه تحصیلی در مدارس راهنمایی فنی و حرفه ای است. کشورهای دیگری مثل آلمان، لهستان و هلند هم به اهمیت کار آفرینی واقف هستند و آموزش کار آفرینی را در برنامه درسی خود گنجانده اند.

■ کتاب و کتک!

کتابخانه های مدارس سوئد، به کتابخانه مر کزی شهر وصل هستند و از آن جا تغذیه می شوند. در هر مدرسه، راهکارهای گوناگون برای تشویق بچه ها به کتاب خوانی وجود دارد. برای مثال، در یک مدرسه لوله پلاستیکی درازی در کنار حیاط مدرسه قرار داده اند. وقتی دانش آموزی یک کتاب را می خواند، معلم یک گلوله پلاستیکی را داخل آن لوله می اندازد. گنجایش لوله هزار گلوله است. همه می دانند وقتی ظرفیت لوله پر شود، جشن بزرگی در مدرسه برپا خواهد شد. سوئدی ها یک رسم لوس دیگر هم دارند! هر گونه تحقیر، تنبیه و مجازات دانش آموزان جرم است. هر گاه معلمی مرتکب چنین جرمی شود به دادگاه فرستاده خواهد شد و در صورت محکومیت، شغلش را از دست خواهد داد.

■ فرزندان مدرسه

در کره جنوبی «بابای مدرسه» وجود ندارد. نظافت و بهداشت مدرسه به طور کلی از جمله وظایف دانش آموزان است، به جز نظافت دستشویی ها که به طور مشخص توسط شرکت های خاصی انجام می شود. البته نمی دانیم والدین از این که ممکن است فرزندان در دانه شان با این کارها خسته شوند، به جایی شکایت می برند یا خیر.

■ مشق زندگی

معلمان ژاپنی، عقیده دارند دانش آموزان مقطع ابتدایی برای یادگیری علم به مدرسه نمی آیند بلکه هدف از مدرسه رفتن، دیدار دوستان است. در مدارس ابتدایی به بازی، کار دستی، موسیقی و خانه داری (کارهایی مثل آشپزی، خیاطی و نظافت) توجه بسیار می شود. این گونه برنامه ها یک سوم اوقات دانش آموزان را به خود اختصاص می دهد. دانش آموزان مدارس ژاپن از همان کلاس اول ابتدایی در برنامه ای با عنوان 'به سوی کار' به یادگیری و انجام حرفه هایی مانند زراعت و صنعت می پردازند.

منابع: دنیای اقتصاد، باشگاه خبرنگاران جوان، اعتماد، افکار نیوز

کلاس صفر؛ کلاس خانواده

مهسا فارسی/ «دوست داری در آینده چه کاره شوی؟» همه ما پیشینه این سوال را در کودکی مان می شناسیم. گفته ایم دکتر یا مهندس. پلیس یا خلبان. نقاش یا کارگردان. این سوال جرقه بزرگی است برای این که پادمان ببندازد که وقتش رسیده است تا انتخاب کنی! استعدادت را بشناسی و دورنمایی از آنچه را در آینده می خواهی برای خودت متصور شوی. اما وقتی فردی ۳۰ ساله می گوید هنوز علاقه و استعدادش را نمی شناسد و نمی داند چه حرفه ای را انتخاب کند

مشکل از کجاست؟ بخشی از روایت تحلیلی دکتر سعید

میرواحدی، استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (مجله

روایت شماره دهم) مشکل را نه فقط در مدرسه

که در «ضعف بزرگ نظام تربیت خانوادگی و

نظام آموزش رسمی مان» می داند. این که در

چه تیپ خانواده ای بزرگ شده باشیم، در

شناخت مسیر درس خواندن و وارد بازار کار

شدن بسیار اهمیت دارد. در بخشی از این

روایت، اهمیت نقش خانواده در سیستم

آموزشی را می خوانیم: «بر اساس دو محور

پاسخ به نیازهای فرزندان و بازخواست از

آنان ما با چند تیپ خانواده رو به رو هستیم.

گروه اول خانواده سالم (مقتدر) است.

خانواده ای که به شکل حمایتی و سالم به

نیازهای فرزندان پاسخ می دهد و در مقابل طلب

مسئولیت می کند. گروه بعدی خانواده مستبد است

که در آن به نیازی پاسخ داده نمی شود اما اصل توقع ما به

ازا پا بر جاست. در خانواده مستبد فرزند حقی ندارد و نمی تواند

چیزی در خواست کند اما مسئولیت دارد و خانواده دمام از او بازخواست می کند. گروه سوم خانواده های

رها (افسار گسیخته) هستند که هیچ کدام از دو ویژگی محوره ای اصلی را ندارند؛ نه نیازی را پاسخ می

دهند و نه توقعی دارند. آخرین گروه هم خانواده سهل گیرند که نیاز را پاسخ می دهند اما توقعی ندارند.

بخش عمده ای از جامعه ما هم اکنون در این گروه (خانواده سهل گیر) قرار دارند». خانواده های سهل گیر

همان خانواده هایی هستند که بچه هایشان را نازپرورده و پر توقع بار می آورند و در مقابل مسئولیتی را به

آن ها اگذار نمی کنند و حتی نمی گذارند شکست بخورند و خطر کنند و روی پای خودشان بایستند. در

مقابل از بس همیشه همه چیز برایشان مهیا بوده لذت به دست آوردن را تجربه نکرده اند. با چنین وضعیتی

نمی توان از مدرسه خیلی انتظار فوق العاده ای داشت.

در اهمیت و ضرورت پرورش فکرهای خلاق

نگاه کن، خلاق باش

اگر روزی بچه ای را در خیابان دیدید که کمزش را به جلو خم کرده است و دارد از بین پاهایش به اطراف نگاه می کند، تعجب نکنید، او مشکلی ندارد. او فقط دارد یک جور دیگر به همه چیز نگاه می کند. همین! (بر گرفته از کاریکاتور شل سیلور استاین). زمان به سرعت در حال گذر است و باید یاد بگیریم جور دیگری به چیزها نگاه کنیم. ریشه خلاقیت در همین نکته نهفته است.

■ قدرت در خلاقیت است

الوین تافلر در کتاب مشهورش «موج سوم»، دوره های مختلف را بررسی می کند. دوران کشاورزی را موج اول می خواند و می گوید در آن دوره ثروت در زمین بوده به نیروی بازوی آدم های قوی نیاز داشته اند. موج دوم تمدن صنعتی است. نماد این دوره کارخانه است، قدرت، ریشه در پول و ثروت دارد و نیاز به آدم های با مهارت بیش از هر چیز حس می شده. موج سوم، تمدن فرا صنعتی ناشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات است که کمتر از نیم قرن است که شروع شده است.

ویژگی اصلی این دوره شتاب تغییر و تحول است. این سرعت و شتاب موجب شده است خلاقیت و نوآوری نقشی کلیدی پیدا کند. قدرت بیش از هر چیز ریشه در دانش و اطلاعات دارد. کشور های موج سومی هماهنگ با سرعت تحولات در حرکت اند و از دانش و اطلاعات برای تولید ثروت استفاده می کنند. این روزها بیش از هر وقت دیگری نیاز داریم تا تفکر خلاق پرورش دهیم.

■ چرا خلاقیت مهم است؟

به گوشی تلفن همراهمان که احتمالا یک اسمارت فون مدل بالا است (!) نگاه کنید. چقدر پول بابت خرید این گوشی داده اید؟ چرا دو برابر این را ۶ ماه دیگر هزینه می کنید برای گوشی که در ظاهر تفاوتی با گوشی قبلی تان ندارد؛ چه بسا کیفیت آن هم پایین تر باشد؟ اما گوشی خریده اید که همزمان چندین برنامه را اجرا می کند. پس تنها بابت ایده های جدید پول داده اید. به نظر شما چرا کارمند شرکت گوگل یا ایل بودن رویای دست نیافتنی خیلی هاست؟ چرا ایل به کارمندان حقوق و مزایای شگفت انگیز می دهد؟ چون در ازای این خدمات، تنها فکر و ایده از کارمندان می خواهد و بس. فکر می کنم با همین یکی دو مثال اهمیت پرورش فکرهای خلاق روشن می شود.

■ همه می توانند خلاق باشند؛ اما...

خلاقیت با هوش، جنسیت، سن و سلامت جسمی هیچ ارتباطی ندارد. همه می توانند خلاق باشند تنها کافی است معلم های خلاق داشته باشیم تا راه و روش نگاه کردن، کنجکاو بودن، سوال کردن و از همه مهم تر خیال پردازی را به دانش آموزان بیاموزند نه این که حتی رنگ دفترشان را هم انتخاب کنند. بچه هایی که آزادند تصمیم بگیرند و یاد گرفته اند که مسئولیت تصمیم آن ها بر عهده خودشان است خلاق بار می آیند.

«تجربه حضور در کلاس تفکر خلاق دکتر حمیدرضا یوسفی، در نگارش این مطلب به نگارنده یاری رسانده است.

جست و جو برای یافتن پاسخ این سوال که در مدرسه چقدر درس زندگی آموختیم؟

چی یاد میدن به شما تو مدرسه؟!!

الیه توانا، مهسا فارسی/ «می تونی واشر شیر آب رو عوض کنی؟ تو مدرسه به شما چی یاد میدن؟! جورابت رو می تونی خودت بدوزی؟ می تونی حساب کنی آگه با همین سرعت رانندگی کنم، چند ساعت دیگه می رسیم؟ اینا چیه خریدی؟ این پرورشور انگلیسی رو می تونی بخونی؟ این چه طرز حرف زنده؟ می تونی یک نامه اداری بنویسی؟ با دوست هات آشتی کردی؟ بلدی این نقشه رو بخونی؟ این چه اتاق شلخته ایه؟ پس تو مدرسه به شما چی یاد میدن؟! شما مخاطب این جملات هستید یا گوینده شان؟! در مدرسه چی یاد گرفته اید؟ از مدرسه چه توقعی دارید؟ چه ارتباطی وجود دارد بین عنوان درس ها، اهدافشان و آن چه می خوانیم و امتحان می دهیم؟ فکر می کنید در مدارس دنیا چه خبر است؟ در پرونده امروز سعی کرده ایم پاسخی برای این سوالات پیدا کنیم. به دریای وسیع خلاقیت هم سر کی کشیده ایم و کمی از ضرورت آموزش شش گفته ایم و البته نه دلمان آرزو کرده ایم قدر قطره ای جدی گرفته شود! ضمن این که یادمان نرفته است قبل از مدرسه، همه مان سر کلاسی به نام خانواده نشسته ایم که انگار نقش و تأثیرش را دست کم گرفته ایم یا حداقل به اندازه ای که از معلم و مدرسه توقع داریم از والدین و خانه، نداریم!

زیر قسمت های مهم خط بکشید

–حاضرید دوباره به مدرسه بروید؟

–قطعانه!

–چرا؟

–چون نمی خواهم آن دوران سخت را دوباره بگذرانم».

اگر از شما هم این سوال را بپرسم، همین جواب را می دهید؟ مدرسه مجالی برای تمرین زندگی کردن و لذت بردن است در حالی که ظاهر این طور نیست. این که چه درس هایی را چگونه خواندیم و این که چقدر با هدف تنبیه هر درس هم سو بودیم موضوع این بخش است.

جوری که ما می خونديم	هدفی که اون درس داشت
ریاضی	رقابت بر سر این که چه کسی نفر اول مسئله را حل می کند. معمولا هم تعداد کمی از بچه ها این وظیفه خطیر را بر عهده دارند و دیگران فقط جواب ها را یادداشت می کنند. بچه ها معمولا ریاضی را مثل تاریخ حفظ می کردند.
فارسی	–شعر زاییده خلاقیت است. اگر کلاسمان به کار گاه شعر بدل می شد و مجبور می شدیم شعر بگوییم، هم مهارت سخن گفتن تقویت می شد هم مهارت شنیدن. – باید در کلاس فارسی لذت مطالعه و کشف معانی تقویت شود! –فارسی را می خوانیم تا بزرگان ادبی را بشناسیم و ببینیم چگونه به بیان عواطف و احساسات در قالب نوشته ها و گفته ها می پرداختند و...
علوم	هنوز سالیانه صدها نفر به علت گاز گرفتگی ناشی از نصب نادرست بخاری ها در فصل سرد از دست می روند. چرا؟ چون سر کلاس های علوم پدیده ای را کشف نکرده و فقط مراتب رخ دادن آن را بدون نتیجه گیری از روی کتاب خوانده ایم. جذابیت کلاس علوم فقط رنگ های آزمایشگاه بود، در واقع رنگ بازیگوشی و تفریح!
تاریخ	دانش آموزان سلسله های پیشین را با اسم و رسم و جزئیات حفظ می کنند و دو روز بعد از امتحان هم هیچ کدام در خاطرشان نیست.
جغرافی	اقیانوس ها چگونه تبدیل به خشکی شدند؟ دلتا چیست؟ کویرهای ایران را نام ببرید. آیا واقعا می توانید کویرهای ایران را نام ببرید؟ می دانید مسکو پایتخت کدام کشور است؟

تمام دروس مختلف ارزش گذاری و هدف گذاری شده اند منتها قرار است راهنمایان خوبی برای بچه ها باشیم تا فکر نکنند درس خواندن فقط نمره گرفتن و شاگرد اول شدن است.